

دکتر اردشیر سعدمحمدی، مدیرعامل «ومعادن» تشریح کرد؛

## همت همه‌جانبه برای غلبه بر موانع تولید

زنجیره فولاد ایران طی سال‌های گذشته رشد قابل توجهی را تجربه کرده است، به طوری که در حال حاضر یکی از استراتژیک‌ترین صنایع کشور به حساب می‌آید. با این حال، این صنعت در مسیر شکوفایی خود با چند چالش اساسی از جمله تامین مواد اولیه و تامین سرمایه مورد نیاز برای توسعه پروژه‌ها و توسعه زیرساخت‌های مرتبط با این صنعت مواجه است. در این راستا، هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات به عنوان یک هلدینگ تخصصی در حوزه معادن کشور، به منظور فائق آمدن بر مشکلات حوزه معدن و به خصوص صنعت فولاد، از طریق توسعه زیرساخت‌های برق و انجام پروژه‌های اکتشافی متعدد اقدام به تکمیل زنجیره ارزش و برقراری توازن در زنجیره ارزش گروه کرده است.

به گزارش خبرنگاران گروه صنعت و تجارت گزارش خبر، دکتر اردشیر سعدمحمدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات (ومعادن) طی یادداشتی در خصوص چالش‌های زنجیره فولاد، نوشت:

ظرفیت‌های ایران در زمینه منابع معدنی و انرژی، موجب توسعه زنجیره ارزش فولاد به ویژه در دهه اخیر شده، به طوری که علاوه بر تامین نیاز داخل، امکان صادرات فولاد و محصولات فولادی به سایر کشورها نیز فراهم شده است.

در حال حاضر ظرفیت تولید کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی و فولاد خام در کشور به ترتیب معادل ۶۹، ۶۷، ۴۴ و ۳۷ میلیون تن است و بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ظرفیت تولید در طول زنجیره فولاد باید به ترتیب به ۸۲، ۷۷، ۵۳ و ۵۵ میلیون تن افزایش یابد. البته ناگفته نماند ظرفیت سایر طرح‌های در دست اجرا بسیار فراتر از این مقادارها است. برآورد می‌شود حجم سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، بیش از ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار باشد.

مهمترین چالش برای تحقق اهداف چشم‌انداز زنجیره فولاد، تامین زیرساخت‌ها است. سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت و تامین انرژی بسیار عقب‌تر از سرمایه‌گذاری احداث واحدهای فولادی است؛ به طوری که برآورد می‌شود تحقق اهداف چشم‌انداز، نیازمند سرمایه‌گذاری ۸ میلیارد دلاری در حوزه زیرساخت باشد که از این مقدار ۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار سهم بخش توسعه ریلی و ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار نیز سهم بخش نیروگاه، خط و پست برق است.

### چالش‌های صنعت فولاد

صنعت فولاد یکی از مهمترین، استراتژیک‌ترین و تاثیرگذارترین صنایع کشور است و توسعه هر چه بیشتر این صنعت می‌تواند ضامن شکوفایی اقتصاد کشور باشد. اما علی‌رغم اهمیتی که این صنعت برای اقتصاد کشور دارد، زنجیره تولید آن با ۳ چالش اساسی مواجه است. نخستین چالش در خصوص تامین مواد اولیه است، چرا که نبود یک برنامه مدون برای افزایش استخراج و تولید سنگ‌آهن به عنوان خوراک اولیه محصولات فولادی، تهدیدی برای زنجیره تامین این صنعت در سال‌های آتی خواهد بود.

دومین چالشی که این صنعت در حال حاضر با آن مواجه است، تامین سرمایه مورد نیاز به منظور سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی مرتبط با این صنعت به ویژه راه‌های مواصلاتی زمینی است که از مهمترین بسترهای لازم برای توسعه این صنعت محسوب می‌شوند.

عدم تمایل شرکت‌های خارجی برای تامین سرمایه به دلیل وجود تحریم‌های اقتصادی در طول سال‌های گذشته نیز مزید بر علت شده است. سومین چالش، ضعف در تامین مالی پروژه‌های فولاد است. با توجه به این که موضوع تامین منابع مالی مورد نیاز پروژه‌ها از اصلی‌ترین عوامل تعریف یک پروژه قبل از راه‌اندازی آن است و کمبود منابع مالی در کشور و عدم توانایی تامین مالی از داخل کشور در اجرای پروژه‌ها، جذب منابع مالی خارجی برای توسعه طرح‌های فولادی، امری ضروری است.

این در حالی است که بر اساس تجربه سال‌های گذشته، صنعت فولاد در استفاده از منابع مالی خارجی نیز چندان موفق نبوده است. تا جایی که به رغم دریافت منابع مالی خارجی در محدود پروژه‌های فولادی که معمولاً زمان زیادی نیز صرف اخذ آن‌ها شده است، به دلیل ضعف‌های ساختاری و وجود محدودیت‌ها در تبادلات مالی خارجی، در استفاده به موقع از این منابع مالی خارجی و فاینانس موفقیتی حاصل نشده است، به گونه‌ای که بعضاً با طولانی‌شدن زمان اجرای پروژه‌ها، تمدید چندباره اعتبارات اسنادی و همچنین پرداخت اقساط با توجه به سررسید شدن آن بدون پیشرفت فیزیکی قابل قبول در طرح‌ها رخ داده است.

با توجه به شرایط اقتصادی حال حاضر کشور، سیاست‌های اتخاذ شده، نگاه‌ها را به سمت صناعی که سود قابل توجه و حاشیه سود مناسبی داشته‌اند، جلب کرده است. بر این اساس از این شرکت‌ها خواسته شده است تا مشارکت موثر در توسعه اقتصادی کشور داشته باشند و پروژه‌های پیش‌رانان پیشرفت نیز در همین راستا تعریف شده است.

مشکل این جاست که تعریف چنین پروژه‌هایی با هدف اصلی این بنگاه‌ها که پیشینه کردن انتفاع است، قابل جمع کردن نیست. به گونه‌ای که تامین مالی این پروژه‌های تعریف‌شده، چالش اساسی این شرکت‌ها در سال جاری و سال‌های آینده خواهد بود. برای تحقق اهداف بلندمدت نیازمند تعریف یک نقشه راه بلندمدت هستیم و تمامی سیاست‌گذاری‌ها باید در راستای تحقق اهداف بلندمدت باشد.

### پروژه‌های در دست اقدام

سیاست اصلی هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات، تکمیل زنجیره ارزش و برقراری توازن در زنجیره ارزش است. به عنوان مثال هر چند که تأمین برق مورد نیاز صنایع یک وظیفه حاکمیتی است اما کمبود برق و قطعی مکرر برق موجب عدم‌النتفع زیادی برای شرکت‌های گروه می‌شود.

از این رو، هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات خود را ملزم می‌داند با تأسیس نیروگاه برق در حد توان این مشکل را تقلیل دهد. کم‌اینکه یک هلدینگ تخصصی در حوزه برق تحت عنوان شرکت «پویا انرژی» ذیل هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات ایجاد شده است.

همچنین با توجه به پیش‌بینی کمبود سنگ‌آهن، شرکت اکتشاف «تجلی صبا» تأسیس شده که مأموریت اصلی آن اکتشاف در پهنه‌های جدید است. تمام این سیاست‌ها برای برقراری توازن در زنجیره صورت گرفته و همه تلاش هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات این است که رسالت خود را به عنوان هلدینگ تخصصی در حوزه معادن کشور به درستی انجام دهد تا ضمن حفظ منافع سهامداران این هلدینگ، گام موثری در توسعه کشور

برداشته شود.

هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات رسالت خود را توسعه بخش معدن کشور می‌داند و با توجه به تمامی ریسک‌های موجود، این هلدینگ اعتقاد دارد که این همان مسیری است که منافع تمامی ذینفعان این هلدینگ را تامین خواهد کرد.

با این حال، طرح‌های توسعه هلدینگ تنها منوط به بخش بالادستی نمی‌شود و با توجه به سودآوری پایین‌دست زنجیره، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات، در این زمینه نیز پروژه‌هایی تعریف کرده است.

مهمترین برنامه‌های اکتشافی هلدینگ از طریق شرکت صبانور انجام می‌شود. پهنه‌هایی شامل شهرک، باباعلی و گلالی به منظور بالا بردن میزان استخراج در حال حاضر در دست حفاری قرار گرفته‌اند. پیش‌بینی می‌شود طی این پروژه‌های حفاری، هلدینگ حداقل به ۱۰۰ میلیون تن ذخیره قطعی در این مناطق دست یابد.

همچنین به واسطه فولاد قروه، بیجار و اقلید که در غرب کشور با سرمایه‌گذاری هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات در حال احداث هستند، دو پهنه قروه و بیجار نیز در دست اکتشاف قرار خواهد گرفت.

دو پهنه‌ای که تاکنون کار اکتشافی چندانی روی آنها صورت نپذیرفته است اما پیش‌بینی می‌شود به هاب معدنی غرب کشور تبدیل شود و خوراک سه شرکت فولادسازی در دست احداث از این محل تأمین شود. پهنه دیگری که کارهای اکتشافی روی آن در حال انجام است، پهنه راور در منطقه کرمان است.

این پهنه حاوی معدن سرب و روی است. مهمترین پهنه‌ای که به تازگی در دست اقدام قرار گرفته پهنه جانجا است. قرار است در نهایت از این پهنه ۱۳۰ هزارتن کنسانتره مس به مدت ۲۵ سال تولید شود. بر اساس محاسبات فعلی، ذخیره قابل برداشت این معدن، ۳۱۲ میلیون تن با عیار متوسط ۰.۲۶ درصد مس ارزیابی شده است.